

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله خانوادہ مسلمان ۲



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين، والعاقبه للمتقين،  
ولا عدوان الا على الظالمين، والصلاه والسلام  
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين و  
على آله و صحبه اجمعين.

حمد و سپاس برای خداوندی که آفرید و برابر گردانید، و اندازه گرفت و هدایت کرد و به راه آورد. او را سپاس و ستایش می‌کنم و همو در ابتدا و در انتها شایسته تمجید است. و شهادت می‌دهم که هیچ خدایی بحق جز خدای یگانه وجود ندارد و او بی‌شریک می‌باشد. و شهادت می‌دهم به اینکه مولا و پیغمبر ما، محمد، بنده و فرستاده او، پیغمبری برگزیده و بنده‌ای منتخب است. درود و سلام و برکات خدا بر او و آل و اصحاب او و بر کسانی که دعوت او را اجابت کنند و پیروان راه او باشند، اما بعد: یکی از بزرگترین نعمتها و آیات خدا اینکه خانواده را محل آرامش و آسایش قرار داده است، در سایه آن جانها به محبت، مهربانی، مصونیت و پاکی و زندگی ارزشمند و پوشیدگی [در برابر گناهان] می‌رسند. و در دامن آن نوزاد پرورش می‌یابد، وقایع ترقی می‌کنند، نسبتهای خویشاوندی استوار می‌گردند و عهد و پیمان کفالت محکم می‌شوند.

روانها با همدیگر مرتبط و قلبها در هم می‌آمیزند: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ﴾ (بقره: آیه ۱۸۷).  
آنان لباس شمايند و شما لباس آنانيد.  
و در این روابط ناگسستنی و خانواده‌های آباد خصال ارزشمند رشد می‌کنند و مردانی پرورش می‌یابند که برای

سپردن بزرگترین امانتها به آنان شایسته‌اند و زنانی تربیت می‌شوند که بر استوارترین اصول پا می‌گیرند.

### اسباب اختلاف بین زوجین

البته همچنانکه واقعیت زندگی بشر و طبیعت او - چنانکه خدا خلق کرده و خود بر مخلوقاتش عالم‌تر است - نشان داده، حائلهایی بر او عارض می‌شود که سفارشات بی‌تأثیر می‌شوند و محبت و آرامش نمی‌تواند در آن رسوخ کند، به گونه‌ای که چنگ زدن به ریسمان زوجیت باعث اذیت و مشقت شده، مقصود ازدواج تحقق نمی‌یابد و خیر و صلاح فرزندان شکل نمی‌گیرد. این حالات اضطراب و ناسازگاری می‌تواند علتها و اسباب داخلی و یا خارجی داشته باشد.

این اختلافات گاهی از دخالت غیرحکیمانه اولیا و نزدیکان زوجین، و یا از دخالت در همه امور کوچک و بزرگشان ناشی می‌شود و گاهی کار به جایی کشیده می‌شود که اولیا و بزرگان زوجین می‌خواهند مهربانی آن دو با یکدیگر را با سیطره یافتن بر آنان از بین ببرند، که کار به دادگاهها کشیده می‌شود و در نتیجه اسرارشان فاش و پرده‌های [پوشاننده‌شان] کنار زده می‌شوند و این همه به خاطر مسأله کوچک و یا چیز بی‌ارزشی بوده که دخالت نامناسب و دوری از حکمت، عجله و شتاب، تصدیق شایعه‌ها و شایعه‌پردازان آن را به اینجا کشانده است.

و گاهی اختلاف از کمی بصیرت در دین و جهل به احکام باگذشت شریعت، فزونی رسم‌های نادرست و پیروی از افکار و ایده‌های رایج نشأت می‌گیرد. مثلاً بعضی از شوهران گمان می‌کنند که تهدید به طلاق و یا تلفظ آن راه‌حل صحیحی برای رفع اختلافات خانوادگی و مشکلات زن و شوهر است و برای گفتگو با همسرش جز الفاظ طلاق چیز دیگری نمی‌دانند، درآمد و شد، در امر و نهی و بلکه در همه امورش جز این الفاظ چیز دیگری نمی‌دانند. غافل از اینکه با این کار آیات خدا را به سخره گرفته، کارشان گناه، خانه‌اشان نابود و اهلشان را از دست می‌دهند.

ای مسلمانان! آیا این فهم دین است؟ طلاق سنت [به شیوه‌ای که شارع اجازه داده] و شریعت آن را جایز شمرده، برای بریدن ریسمان زوجیت نیست و بلکه تشریع آن برای به تأخیر انداختن جدایی است و دوره‌ای برای آرامش یافتن، تدبّر در مسأله و معالجه و حل مشکل موجود.

﴿لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا تَخْرُجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ تَحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ۝ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ (طلاق: آیه ۱ و ۲)

زنان را (بعد از طلاق، در مدت عده) از خانه‌هایشان بیرون نکنید. و زنان هم (تا پایان عده از منازل شوهرانشان)

بیرون نروند، مگر اینکه زنان کار زشت و ..... آشکاری انجام دهند. اینها قوانین و مقررات الهی است و هر کسی از قوانین و مقررات الهی پافراتر نهد و تجاوز کند به خویشتن ستم می‌کند. تو نمی‌دانی چه بسا خداوند بعد از این حادثه، وضع تازه‌ای پیش آورد \* و هنگامی که مدت عده آنان به پایان رسید یا ایشان را به طرز شایسته‌ای نگاه دارید و یا به طرز شایسته‌ای از ایشان جدا شوید.

این طلاق است که از طرف شارع وضع شده و بلکه مسأله به همین محدود نشده بلکه در طلاق سنت [سنتی] این راه آخر برای حل مشکل بوده و قبل از آن انواع پیشگیری باید مراعات شوند.

### راه‌های حل اختلاف بین زوجین

چنانچه نشانه‌های اختلاف و علایم ناسازگاری و نافرمانی آشکار شد طلاق و یا تهدید به طلاق راه حل نیست. مهم‌ترین چیزی که برای حل مشکل لازم است: صبر و تحمل، شناخت اختلاف در احساسات و نظرات و تفاوت در خلق و خوی می‌باشد به همراه ضرورت تسامح و چشم‌پوشی از تعداد زیادی از مسایل، چرا که خیر و مصلحت همیشه در آن چیزی نیست که دوست داریم و آرزو می‌کنیم، بلکه چه بسا خیر و صلاح در چیزی باشد که نمی‌خواهیم و دوست نداریم: ﴿وَعَايِشُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَجَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ۝﴾ (نساء: آیه ۱۹)

و با زنان خود بطور شایسته معاشرت کنید و اگر هم از آنان کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدایی نگیرید) زیرا که چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

و زمانی که خللی [در روابط] آشکار شود و روابط فرسایش یابد و نافرمانی زن و تجاوز از حد و حدود خود و میل به عدم انجام وظیفه از جانب زن مشاهده گردد به گونه‌ای که الفبای نفرت، کوتاهی در ادای حقوق شوهر و بی‌توجهی به فضایل وی دیده شود راه‌حل این مشکل در اسلام چه به - صراحت و چه به کنایه - طلاق نمی‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّتِي تُتَخَاوَنُ أَنْ تُشَوِّهَ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۝﴾ (نساء: آیه ۳۴)

و زنانی که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) از همبستری با آنان خودداری کنید (اگر باز هم مؤثر واقع نشد) آنان را بزنید پس اگر شما را اطاعت کردند راهی برای (تنبیه) ایشان مجوید (و بدانید که) بیگمان خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

راه‌حل پند و توجیه کردن و بیان اشتباه وی و یادآوری حقوق [طرفین] و ترساندن از خشم و غضب الهی است با طی طریق فرزاندگی و تحمل و وقار در ترغیب و ترهیب. و دوری از همسر در بستر و تنبیه او، در مقابل تجاوز وی از حدود خود و نافرمانی‌اش می‌باشد. باید توجه کرد که

خدا فرموده «فی المضجع» در بستر از آنان دوری کنید و نه فرموده «عن المضجع» به معنی پرهیز از همبستر شدن با آنان.

آری، این دوری، دوری در بستر است و نه ترک منزل و نه دوری در جلوی چشمان خانواده و فرزندان و نه در برابر بیگانگان.

هدف از این کار حل مشکل است و نه شهرت یافتن و یا خوار کردن (طرف مقابل) و نه کشف اسرار و استار. پرده‌داری و آبروریزی. که در برابر نافرمانی و تجاوز، دوری و تنبیه ضمانت حفظ و برابری هستند.

گاهی راه حل مشکل به مقداری قساوت و خشنونت نیاز دارد زیرا گروهی از مردم وجود دارند که برای اصلاحشان معاشرت به نیکی و نصیحت مهربانانه کفایت نمی‌کند، اینان گروهی هستند که به خاطر مهربانی و بردباری زیاد با ایشان دچار طغیان شده‌اند. چنانچه قساوت را ببینند سرکشی‌شان رام و جوش و خروششان آرام می‌شود. آری، گاهی پناه بردن به مقداری خشنونت دوی سودمندی است، و چرا از آن استفاده نشود در حالیکه طرف مقابل به ادای وظیفه‌اش بی‌توجه بوده و از سرشش تجاوز کرده است؟

نزد هر عاقلی یک امر بدیهی است که قساوت، چنانچه باعث بازگرداندن نظام خانواده و روابطش باشد و الفت و محبت را به آن بازگرداند از طلاق و جدایی بدون نزاع بهتر است. پس این یک راه حل ایجابی و معنوی و برای

تأدیب است، نه برای سختگیری و انتقام، و استفاده از آن فقط برای اصلاح نافرمانی و رفع نگرانی است.

در مقابل چنانچه زن از ستم و رویگردانی شوهرش ترسید، در قرآن راه‌حل برایش قرار داده شده: ﴿وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ (نساء: آیه ۱۲۸).

هر گاه همسری دید که شوهرش (نسبت به او بدی می‌کند و) او را آزار می‌دهد و یا (از او) رویگردان است، بر هیچیک از آن دو گناهی نیست میان خویشتن مصالحه کنند و صلح بهتر است.

راه‌حل صلح و آشتی است و نه طلاق و جدایی و این، البته مقتضی گذشت از بعضی از حقوق مالی [مادی] و شخصی است برای حفظ نکاح.

«وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» صلح بهتر است از جدایی، ستم، نافرمانی و طلاق.

برادر مسلمان! خواهر مسلمان! آنچه گذشت بیان سریع و یادآوری اجمالی جنبه‌ای از جوانب فهم دین خدا و حرکت بر آن منهج است. ولی مسلمانان چقدر از این حقیقت دورند؟

حکم قرار دادن دو نفر در اختلافات بین زوجین کجا رفته است؟

چرا اصلاح گران از این راه حل منصرف شده‌اند؟ آیا به خاطر زهد در اصلاح درون است و یا رغبت در از هم گسیختن خانواده و پراکندگی فرزندان؟

جز ستم، سفاهت و نادانی، دوری از خوف الهی و مراقبت از آن، ترک بسیاری از احکام و به بازیچه گرفتن حدود الهی چیز دیگری دیده نمی‌شود.

ابن ماجه و ابن حبان و غیره از رسول خدا ص نقل کرده‌اند که فرمود: حال کسی که با حدود خدا بازی کند چگونه خواهد بود: (مکرراً به همسرش) بگوید: تو را طلاق دادم، ... مراجعه نمودم؟ آیا حدود خدا به بازی گرفته می‌شود در حالی که من بین شما هستم». (سنن ابن ماجه (۲۰۱۷) و صحیح ابن حبان (۴۲۶۵)).

### آخرین راه حل اختلافات زوجین

هرگاه همه راههای حل اختلافات با شکست مواجه شد و ماندن در آن زندگی سخت و ناخوشایند شد بگونه‌ای که باعث تحقق اهداف و حکمتهای ارزشمندی که خدا در ازدواج قرار داده، نشد. خداوند از باب ساده‌گیری در قانونگذاری و جامعیت احکام گریزگاهی را برای این تنگنا قرار داده، ولی متأسفانه اکثر مسلمانان از طلاق به شیوه درست [و سستی] که شریعت اجازه داده بی‌خبرند و لذا همیشه الفاظ طلاق را بر زبان می‌رانند بدون مراعات حدود خدا و شریعت او.

طلاق در حال حیض حرام است، سه طلاق با هم حرام است و طلاق در حال طهر [حالت پاکي مابین دو حیض] بعد از نزدیکی حرام است و همه این انواع، طلاقهای

بدعتی و حرام می‌باشند که صاحب آن مرتکب گناه شده است، با این وجود بنابر صحیح‌ترین رأی از علماء طلاق واقع می‌شود.

ولی طلاق مباح [و سنّی] که بر مسلمانان واجب است آن را بدانند بدین‌گونه است که در طهری که نزدیکی روی نداده و یا به هنگام حامله بودن، همسرش را یک طلاق واحد بدهد.

طلاق به این شیوه راه‌حل است، زیرا مدت زمان محدودی را در حالت بریدگی زوجین از هم فراهم می‌کند که در آن آرامش و مراجعه مجدد فراهم می‌شود.

مرد طلاق دهنده به شیوه‌ای که گذشت باید مدت زمانی را که طهر طول می‌کشد منتظر بماند، چه کسی می‌داند: درونها تغییر می‌کنند و قلبها بیدار می‌شوند و خدا هر کاری را که اراده کند واقع می‌سازد.

و مدت زمان عده - عده زن حائضه یا عده به حساب ماهانه و یا عده وضع حمل زن حامله - فرصتی است برای بازگشت دوباره و حساب و کتاب، در این مدت ریسمان محبتی که پاره شده و رابطه زوجیتی که از هم پاشیده می‌تواند اصلاح گردد.

و آنچه که مسلمانان نمی‌دانند اینکه: زنی که طلاق داده شده - طلاق رجعی - باید در خانه شوهرش بماند، نه اجازه خروج دارد و نه کسی اجازه اخراج او را دارد. بلکه خداوند آن خانه را خانه او - یعنی زن طلاق داده شده - به حساب آورده: ﴿لَا تَحْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ﴾ آنها را از خانه‌های خودشان بیرون نکنید.

و این اسلوب برای تأکید حق اقامت آنها در آن منزل است، زیرا اقامت آنها در منزل شوهرشان راهی است برای مراجعه دوباره، و گشایش امیدی است برای برانگیخته شدن عواطف دوستی و یادآوری زندگی مشترک. همسر در این حالت به خاطر حکم طلاقی که گرفته دور به نظر می‌رسد ولی نزدیک و جلوی چشمان شوهر است.

و آیا این قانون جز آرام کردن طوفان و برانگیختن درون و بازگشت به جایگاه اصلی و آرامش در بررسی احوال خانه و فرزندان و شئون خانواده هدف دیگری دارد: «لَا تَذَرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا». ﴿لَا تَذَرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ (طلاق: آیه ۱).

تو نمی‌دانی، چه بسا خداوند بعد از این حادثه، وضع تازه‌ای پیش آورد.

پس ای مسلمانان! تقوای خدا پیشه کنید و از اهل بیتتان محافظت نمائید و احکام دیتان را بیاموزید، حدود خدا را اقامه، و از آن تجاوز نکنید و [روابط] فیما بین را اصلاح نمایید.

خداوند! فهم دین و بصیرت در شریعت به ما ارزانی دار و ما را از هدایت کتابت سودمند گردان و به ما توفیق حرکت بر مسیر پیغمبرت صلی الله علیه وسلم را عطا بفرما.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء: ۳۵)

«و اگر ترسیدید میان آنها جدایی شود، داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده همسر بفرستید. اگر این دو حکم جویای اصلاح باشند خداوند آن دو را موفق می‌گرداند بی‌گمان خداوند مطلع و آگاه است.»

«آنچه برای علاج سرکشی زن و مرد ذکر کردیم زمانی است که نافرمانی هنوز آشکار نشده و امر به اجتناب از ظاهر شدن آن است. اما وقتی که نافرمانی علنی شد اقدامات مذکور بکار گرفته نمی‌شود؛ چون در این حالت این اقدامات ارزش و ثمره نداشته بلکه نوعی اعلان به کشمکش بین دو خصم است که قصد دارند یکی دیگری را شکست دهد. درحالی که این نه هدف است و نه مطلوب.»

همچنین اگر معلوم شد که به کار گرفتن این اقدامات نه تنها مؤثر واقع نمی‌شود بلکه باعث فاصله بیشتر و علنی شدن اختلاف نیز می‌گردد و بقیه تارهای زندگی را که هنوز به هم متصل‌اند از بین می‌برد و یا بکار بردن آنها بالفعل به نتیجه نمی‌رسد، در این صورت اسلام دست روی دست نمی‌گذارد تا خانواده از هم بپاشد، بلکه آخرین اقدام را برای جلوگیری از فروپاشی بنیان عظیم خانواده انجام می‌دهد و می‌گوید:



﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ  
وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا﴾ (نساء: ۳۵)

«و اگر ترسیدید میان آنها جدایی شود حکمی از خانواده  
شوهر و حکمی از خانواده همسر بفرستید».

به این ترتیب اسلام به مطیع شدن در برابر نشانه‌های  
نافرمانی و به شتاب از هم گسیختن عقد ازدواج و ویران  
کردن بنیان خانواده بر سر افراد بزرگ و خردسال ساکن  
در آن که نه جرمی مرتکب شده‌اند و نه دخالتی در این  
امر دارند، دعوت نمی‌کند، پس بنیاد خانواده باتوجه به  
نقش مهمی که در بنای جامعه اسلامی و تربیت اعضای  
جدید و لازم برای رشد و بالندگی و گسترش آن دارد، از  
نظر اسلام دارای اهمیت خاصی است.

بنابراین هنگام ترس از جدایی این آخرین وسیله است که  
قبل از جدایی از آن استفاده می‌شود و عملاً به فرستادن  
حکمی از خانواده زن که به آن راضی است و حکمی از  
خانواده مرد که به آن راضی است مبادرت ورزیده، و هر  
دو حکم باید در آرامش کامل و بدون از احساسات درونی  
و مسایل عاطفی و بدون در نظر گرفتن عوامل معیشتی که  
صفای روابط بین زن و شوهر را از بین برده و فضای  
زندگی آنها را تباه ساخته و بعلت تأثیری که بر روحیه آنها  
داشته دیگر روابط آنها را تحت تأثیر قرار داده است، با هم  
بنشینند و مشکلات آنها را مورد رسیدگی قرار دهند. و  
همچنین این دو حکم باید بر حفظ شهرت و آوازه دو  
خانواده اصلی اصرار ورزند و بر کودکان کم سنی که مایل

نیستند هیچ کدام از آن دو بر دیگری غلبه کنند، مهربان  
باشند - همچنانکه گاهی برای زن و مرد در این شرایط  
وجود می‌آید - و همچنین آن دو حکم باید بر خیر زن و  
شوهر و کودکان و خانواده‌شان که به نابودی تهدید  
شده‌اند رغبت و میل داشته باشند. در همان حال دو حکم  
که از خانواده زن و شوهر هستند، باید بر حفظ اسرار آنها  
امین بوده و از افشای آن خودداری کنند، چون فاش کردن  
این اسرار هیچ مصلحتی برای آنها دربر ندارد بلکه  
مصلحت آنها در پنهان کردن این اسرار و مدارا نمودن با  
آنها است. هر دو حکم برای اصلاح کوشش کنند. اگر در  
وجود زن و مرد تمایلی راستین برای اصلاح وجود داشت  
و فقط خشم و عصبانیت مانع این تمایل می‌شد، در  
اینصورت به وسیله این اراده قوی در وجود دو حکم  
خداوند صلاح و توفیق را در بین آندو مقدر می‌کند.

﴿إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا﴾ (نساء: ۳۵)

«اگر دو حکم جویای اصلاح باشند، خداوند آن دو را  
موفق می‌گرداند».

پس آن دو خواهان اصلاح هستند و خداوند خواست آنها  
را اجابت می‌کند و آنان را توفیق می‌دهد

﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾ (ظلال - ۲۴۶، ۲/۲۶۳)

«بی‌گمان خداوند مطلع و آگاه است».

**وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله  
وصحبه أجمعین.  
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**